امام: ارتش اسلام ارتش هدایت است

قهرمان و دژبان‌ژاندارمری و قابل علم میرود پاکدامن قدرت‌اکبار میماند دنبال قدرت میرود . همه آنهائی که در دنیا دست‌بوی میزنند دنبال این هستند که کمال پیدا کنند دیدا کمال پیدا کنند پس همه دنبال این هستند که خدا پیدا کنند .

خودشان متوجه نیستند اسلام آمده است که راه را نشان بدهد. سرگردانی ها را از بین ببرد و راهرانشان بدهد، که از این راه باید رفت. اسلام نمیخواهد است کنسلطه پیدا کند براین مملکت و آن مملکت. اسلام مطرح نیست که اسلام سلطه جوئی کند و پیش اسلام مطرح نیست که اسلام غلبه به همه ملتها پیدا کند و زیرا قراردادن به نشانه‌ای پیدا هیچ کدام در اسلام مطرح نیست. اسلام اگر چنانچه ارتش‌دارد ناپاکدامن ترین مردم باشد که این ارتش مردم راباید وبود هایتکند. نارتش مردم پکجائی را بگیرد ارتش اسلام میخواهد قلوب را جلب کند و اسلام آمده است که قلوب انسانها را شیاطین انسان را به سرگردان هستند و کمال مطلق نشانی هستند و نمیدانند کجا انسان‌ها سرگردانها راهی خواهد هدایت کند راهنمائی به آن راهی که انسان‌ها را از سرگردانی نجات میدهد. در قرآن و در غیر قرآن هر جا هست کسی اسلام و مسلمین و آن یک راه مستقیمی است که این راهی است که انسان را به کمال مطلق میرساند و آن سرگردانی که از برای انسان است از بین میرود . و بشر این راه مستقیم را خودش میخواهد طی کند نمیتواند. اطلاع از آن ندارد. خدا است که از این راه مستقیم اطلاع دارد.

این یعنی این راهیکه انسان را از این سرگردانیها و ازاین حیرتها بیرون میبرد و به این راهی که میتوانی بگوئی که آن راه همان راه است و در غیر آن راه نیست راه دیگری که هدایت کند ندارد. ما در نمازهایمان می‌خوانیم که خدا هدایت کند ما را به راه مستقیم نه راه که تو اینطرفوشته آن طرف دیر مغضوب علیهم و لاالضالین، اینهارا همانهایند علیهمه است و هرچه جلوتر میرود دور میشود. از آن مشتبه ارتش اسلام پارتش هدایت است. سربازان هدایت شده است اسلام ارتش هدایت است. کسانی بودند که مردم رادر همان حالیکه جنگ میکردند ، هدایت میخودند، ما اسم خدا را شروع میکردیم مردم بود که از آنهادر جنگ از مقبل شروع نکنند، شما بایستید، شروع هم‌نکنید، شروع نکنید که هیانطور که آنها متجاوز انتند آنها هم متجاوز نکنند و یک غیبتی بدست بیاورند و یک کشورپرابگیرند اینها هم آنطور باشند خیر، اینها مظهرانتقام‌ربایست بیاورند.

ارتش و اسلام

ارتش ایران هرکجا رفته است و سربازهای ایران هر کجا با کفاشته‌اند همان جائی راپاگذاشته‌اند، مسجد درست کرده‌اند ، وقتیکه به قاهره رسیدند، اولخطکشیدند برای مسجد. همه جا اینطور بود مسجد و تمید مطرح بود و ارتش اسلام برای آباد کردن مساجد و محرابهاو مساجد میرفتند، بیشتر ما برای همین آمده بودند که اسلام را به همه ملتها برسانیم و به آن راهیکه میرسد به آن کمال مطلق و از آنجا بهشتی برسانیم، بهشتی که از کمال مطلق و از نجات انسان را بدست بدهیم، نجات پیدا میکنند برای نور و ظلمت برای ماوزای آنها، در دعای جمیله میخوانید خوانیم، «الهی حیفی کما لالتطاع الیک و ان الانبار علونا بضیاء نظر ایکاشفین تفرق الابصار النور و بحجب النور»، ما را هدایت کن به آنجائیکه دیدگان قلوب ما، چشمهای ما و جنبههای نورانی ما در آن بیرون بیاید، ما در اسلام آمده است که انسان را از این غفلتی کمدارد ازاین حجابی که دارد بالاتر از همه حجاب خودبینی است ـ خود بزرگی بینی است ...

تا انسان یک چیزی به دستش می‌آید یک غروری دراو پیدا میشود غروش زیاد میشود و میبیند اسلام آمده است این غرور راسرکوب کند ، ما مأمنیکه انسان خودش را میبیند نمی‌تواند به آن راهیکه دارد اسلام راه هدایت است هدایت بکند. او امر داده باید یکبارزده روی این شیوات و هوای نفسانی که دارد و ارتش اسلام برای آنست و برای این است که مردم را مسیر کند و قلوب آنها را پدست بگیرد و مردم را از جهات مادی بدست آورد، بسیاری در دنیا که بین المللیه بوده و غیرش بوده است عاقبت‌هارا بکوبند . خدای تبارک تعالی وقتی بهحضرت موسی و هارون‌ها می‌فرماید بروید این فرعون را نصیحت کنید ، شاید بدانوبیاید مطرح است که فرعون‌ها ، آنهائیکه خداشان نفس‌فرعونی دارند کمکه نکنند که همان پکشخص یا یک اشخاصی بودند که فرعون بودند ، انسان نفس فرعونی دارند کمکه مکاتب توحیدی پیدا نکند این فرعونی در باطنش هست، شیطنت هم در باطنش هست خودخواه است و انسان را برای این آمده بودکه این خودخواهیها که طغیانگر است مسولانه و مانع ازرسیدن این هدایت مطلقند ازبینهای مردم برداارند . در نقل است که پیغمبر اسلام دید یکعده‌ای را گرفته‌اند و میبرند ، گریه‌کرده‌اند و فرمود صبر میکنم که بیایند اینها را بیاورند پیش ما که ما به آنها برسانیم بیریم . آنقدر صبر فرمود تا دیدند که اینها را میخواهند ببرند به او گفتند ما را بیاورند پیش که ؟ «فرمودند باغ نخلی عالی الارتبی ان لم یرونی بهذا الحدیث اسقاء».

اسلام و ایمان

قضیه ، قضیه ایمان است نه قضیه رفتن پک جائی و رسانیدن بیک جا، پکدیگر را بکشند و پکی کشور ، قضیه ایمان است. ایمان بیاورند جمهوری اسلامی باید نتیجائی این باشد که هدایت بگیرد مردم را خدا انشاءالله انشاء الله ان منحرفینی نصیحت شوند ، شاید بدانوبیاید ، این فرعون را فرعونها ، آنهائیکه خداشان نفس